

محتوای نوشتاری کتاب

عربی زبان قرآن (۱)

سال تحصیلی

۱۳۹۹-۱۴۰۰

با سمه تعالی

معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش

دفتر آموزش متوسطه نظری

دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی

تولید گروه عربی متوسطه دوم استان چهارمحال و بختیاری

پایه: دهم

رشته: رشته ادبیات و علوم

انسانی

درس: ششم

نام: ظفری زاده

عنوان/موضوع: محتوای نوشتاری درس ششم کتاب عربی پایه دهم ادبیات و علوم انسانی

اهداف یادگیری: ۱- متن درس را درست بخواند و ترجمه کند. ۲- معرب را از مبنی تشخیص دهد. ۳- کلمات مبنی را بشناسد. ۴- کلمات معرب را تشخیص دهد. ۵- حالت های اعراب (رفع - نصب - جر) و علامت های آن را بشناسد. ۶- فاعل و مفعول و مبتدا و خبر و صفت و مضاف إليه را بر حسب علامت اعرایشان باز شناسد.

چکیده نکات مهم درس در قالب جمله های کوتاه به زبان ساده: ۱- ترجمه درس ۲- انواع کلمات مبنی و معرب و علامت های اعرایشان. ۳- پاسخ تمرینات.

ترجمه:

آثار جذاب

مسلمانان ایران از کشورهای زیبای جهان و مشهور به بسیاری از مناطق جذاب و آثار تاریخی و فرهنگی است؛ و در آن صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از همه جهان جذب می کند. ایران در سال های اخیر شاهد رشد قابل ملاحظه ای در گردشگری بوده است، پس آن می تواند (ایران) بعد از نفت از گردشگری ثروت بزرگی به دست بیاورد. برخی گردشگران ایران را سرزمینی عالی برای گذراندن تعطیلات می بینند.

سازمان یونسکو به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث فرهنگی اقدام کرد؛ زیرا ایران بسیاری از گردشگران را به سوی خویش جذب می کند.

و از آثار و نشانه های تاریخی در ایران:

آثار پرسپولیس و دو آرامگاه حافظ و سعدی در استان فارس، طاق بستان و کتیبه بیستون در استان کرمانشاه، و آرامگاه امام رضا علیه السلام و آرامگاه فردوسی در مشهد، و آرامگاه معصومه (س) در قم، قلعه فلک الافلاک در خرم آباد، و قلعه والی و جنگل های بلوط در ایلام، حمام گنجعلی خان در استان کرمان که مشهور به تولید پسته و فرش است، آبشارهای شوشتر و آرامگاه دانیال پیامبر علیه السلام در خوزستان، و آرامگاه ابن سینا دانشمند مشهور در جهان، و غار علی صدر که از طولانی ترین غارهای آبی در جهان است در همدان، و ساختمان های تاریخی در اصفهان که سازمان یونسکو آنها را در لیست میراث جهانی ثبت کرده است، اما استان های سه گانه شمالی بر ساحل دریای مازندران به خاطر چشم اندازهای زیبایشان جالب هستند، آنها برای کارت پستال مناسب هستند، گویا تکه ای از بهشت هستند.

برای شمارش منطقه های گردشگری ایران ناچار به نوشتن کتابی بزرگ هستیم، بخش دیگری از آنها را ذکر می کنیم:

یزد و شیرینجات و مناطق کویری آن، تبریز و بازار مشهورش که بزرگترین بازار سقف دار (سپوشیده) در جهان است . و دریاچه زریوان در مریوان و گنبد سلطانیه در زنجان و موزه میراث روستایی در نزدیکی رشت، و هزاران منطقه دیگر. گوناگونی آثار ایران و پایداری وضعیت امنیت، گردشگران را به مسافرت به سویش برای دیدن زیبایی آثارش و طبیعت جذابش تشویق می کند.

### قواعد اعراب / معرب و مبنی:

#### \*اعراب:

به علامت های ( َ ُ ِ ) که در انتهای کلمات (حرف آخر کلمات) ظاهر می شوند، و نقش کلمات را در جمله مشخص می کنند، اعراب می گویند.

مانند: جاءَ المَعْلَمُ. رأيتُ المَعْلَمَ. نظرتُ إلى المَعْلَمِ.

\*کلمات از نظر علامت حرف آخرشان (اعراب) به طور کلی دو نوع هستند: ۱. مُعْرَب ۲. مَبْنِي

#### \*معرب:

کلمه ای است که حرکت حرف آخر آن با توجه به نقشش در جمله تغییر می کند.

مانند: التلميذُ جالسٌ. شاهدتُ التلميذَ.

مبتدا و دارای ضمه      مفعول و دارای فتحه

#### \*مبنی:

کلمه است که حرکت حرف آخر آن همیشه ثابت است، و تغییر نمی کند، هر چند نقش آن در جمله تغییر کند.

مانند: جاءَ ذلِكَ المَعْلَمُ. رأيتُ ذلِكَ المَعْلَمَ. نظرتُ إلى ذلِكَ المَعْلَمِ.

فاعل      مفعول      متمم (در درس های بعد آن را خواهید خواند)

#### \*انواع کلمات مبنی:

۱. تمام ضمائر: منفصل (أنا، أنتَ، أنتِ، هو، هي، و... ) متصل (تُ، تِ، نا، ا، و، ن، و...)

۲. اسم های اشاره نزدیک (هذا، هذه/ هذان- هذين، هاتان- هاتين/ هؤلاء) دور (ذلِكَ، تلِكَ/ ذانِك- دَينِك، تانِك- تَينِك/ اؤلُك)، هنا (اینجا)، هنالك (آنجا).

۳. کلمات پرسشی: (أينَ، كيفَ، متى، ماذا (لماذا)، مَنْ، ما، كم «چند تا»)

۴. کلماتی مانند (الذی، الّتی «کسی که، که» / اللّذان، اللّتان «کسانی که، که» / اللّذین، اللّواتی «کسانی که، که» که در عربی به آنها اسم موصول، و در فارسی به آنها حرف ربط گویند.

۵. فعل ماضی و فعل امر به طور کامل مبنی می باشد.

۵. تمام حروف. حروفی مانند (فَ، و، ثُمَّ، بل، لکن) و حروفی مانند (ما، لَمْ، لما، لا، لِ امر) و حروفی مانند (أَنَّ، لَنْ، حتّى، گى، لِگى، إِذَنْ)، و حروفی مانند (إِنَّ) و...

#### \*انواع کلمات معرب:

به غیر از کلمات مبنی که در بالا آمده، بقیه کلمات معرب هستند. به عبارت دیگر همه اسم ها و فعل مضارع (جز دو صیغه مونث آن «يذهبنَ، تذهبنَ») معرب هستند، به جز اسم های بالا و فعل ماضی و امر و حروف.

مانند: الكتاب، الرجل، الجدار، القلم، الشجر، يذهب، يذهبان و.... معرب هستند، زیرا جزء هیچ کدام از کلمات مبنی نیستند.

### \*حالت های اسم معرب:

کلمات معرب بر اساس علامت حرف آخرشان چهار حالت دارند:

۱. حالت رفع: که علامت های آن عبارتند از: ( <sup>ُ</sup> / اِنِ «در اسم مثنی» / وَنَ «در جمع مذکر سالم» )

و هر اسم معربی که یکی از این علامت ها را داشته باشد، به آن مرفوع گویند.

مانند: الرجلُ - الرجلانُ - الطالبونُ.

۲. حالت نصب: که علامت های آن عبارتند از: ( <sup>ِ</sup> / يِنِ «در اسم مثنی» / يِنَّ «در جمع مذکر سالم» ).

و هر اسم معربی که یکی از این علامت ها را داشته باشد، به آن منصوب گویند.

مانند: الرجلُ - رجلاً - الرجلينِ - الطالبينِ.

۳. حالت جرّ: که علامت های آن عبارتند از: ( <sup>ِ</sup> / يِنِ «در اسم مثنی» / يِنَّ «در جمع مذکر سالم» ).

و هر اسم معربی که یکی از این علامت ها را داشته باشد، به آن مجرور گویند.

مانند: الرجلُ - الرجلينِ - الطالبينِ.

۴. حالت جزم: علامت آن ساکن ( <sup>ْ</sup> ) است، و جزم مخصوص فعل مضارعی است که پس از حروفی مانند «لای نمی» می آید، و به

چنین فعل مضارعی که دارای علامت جزم است، فعل مضارع مجزوم می گویند.

مانند: لا تَكْتُبْ - لا تَذْهَبْ

### \*نکته\* باید توجه داشت که:

الف. حالت رفع (مرفوعی) مخصوص نقش های مرفوعی مانند: مبتدا، خبر و فاعل بوده، و علامت های رفع یعنی: ( <sup>ُ</sup> / اِنِ «در اسم

مثنی» / وَنَ «در جمع مذکر سالم» ) را می گیرند.

مانند: الطالبُ مجتهدٌ. جاءَ الطالبانِ / الطالبونُ.

مبتدا      خبر      فاعل

ب. حالت نصب (منصوبی): مخصوص نقش های منصوبی مانند: مفعول بوده، و علامت های نصب یعنی: ( <sup>ِ</sup> / يِنِ «در اسم مثنی» /

يِنَّ «در جمع مذکر سالم» ) را می گیرد.

مانند: شاهدتُ الطالبَ / الطالبينِ / الطالبينِ.

ج. حالت جرّ (مجروری): مخصوص نقش های مجروری مانند: مضاف الیه، بوده، و علامت های جرّ یعنی: ( <sup>ِ</sup> / يِنِ «در اسم مثنی» / يِنَّ

«در جمع مذکر سالم» ) را می گیرد:

مانند: كتابُ الطالبِ - كتابُ الطالبينِ - كتابُ الطالبينِ.

### پاسخ تمرینات:

اختبر نفسك (ص ۶۴):

۱- الطالبُ: فاعل مرفوع به ضمه / قصيدةٌ: مفعول ومنصوب به فتحه.

۲- التاريخية: صفت ومجرور به كسره.

۳- الأولادُ: فاعل مرفوع به ضمه / جميلةٌ: مفعول ومنصوب به فتحه / الساحل: مضاف إليه ومجرور به كسره.  
اختبر نفسك (ص ۶۵):

۱- مدیرُ: مبتدا ومرفوع به به ضمه / واقفٌ: خبر ومرفوع به به ضمه.

۲- اللوُنُ: مبتدا ومرفوع به به ضمه / مهديُّ: خبر ومرفوع به به ضمه.

۳- العاقلُ: فاعل مرفوع به ضمه / قولٌ: مفعول ومنصوب به فتحه.

اختبر نفسك (ص ۶۵):

۱- الله: مضاف إليه ومجرور به كسره. / الوالدين: مضاف إليه ومجرور به ياء.

۲- اللسان: مضاف إليه ومجرور به كسره. / الإنسان: مضاف إليه ومجرور به كسره.

۳- الضعيفُ: صفت و مرفوع به ضمه / القويُّ: صفت و مرفوع به ضمه.

۴- المؤدّبونُ: صفت و مرفوع به به (و) / المعلمين: مضاف إليه ومجرور به ياء.

۵- العالمُ: صفت و مرفوع به ضمه / ناجحٌ: صفت و مرفوع به ضمه.

ترجمه حوار:

- حاجی: ببخشید، نسخه ای ندارم، و این دارو های نوشته شده بر روی برگ را می خواهم.

- دارو فروش: برگ را به من دهید (بده)، دماسنج، باند (زخم)، قرص های مُسکّن سردرد، قرص های آرام بخش، کپسول آمپی سیلین، پنبه  
طبی، پماد برای حساسیت پوست... .

- هیچ عیبی ندارد (اشکالی ندارد)، ولی آمپی سیلین به شما نمی دهم.

- حاجی: چرا؟ آیا ندارید؟

- دارو فروش: نه، داریم، ولی فروش آن بدون نسخه، غیر مجاز است (مجاز نیست).

- حاجی: خیلی ممنون، آقای دارو فروش (دکتر)

- دارو فروش: برای چه کسی این دارو ها را می خرید (می خری)؟

- حاجی: برای همراهانم در کاروان میخرم.

- دارو فروش: درمان از جانب خداوند است.

تمرین اول:

۱- ابزاری است برای آگاه شدن از دمای بدن و هوا... (محرار: دماسنج)

۲- روز استراحت برای کارمندان و کارگران و دانش آموزان... (العطلة: تعطیلی)

۳. منطقه خشک کنار دریاها و اقیانوس ها... (شاطیء: ساحل)

۴. اداره ای برای تحویل دادن و تحویل گرفتن نامه ها... (البرید: اداره پست)

۵. گیاهی است که میوه سفید رنگ می دهد... (نبات الشبیح: گیاه شبیح)

۶. جاییست برای فروش دارو... (الصیدلية: داروخانه)

تمرین دوم:

۱. (جلدی): دوستم بیماری پوستی داشت پس به بیمارستان رفت.
- ۲- (رائعاً): قصیده ای جالب از ملک الشعراء احمد شوقی خواندم.
۳. (قبه): زیر گنبد شاه چراغ در شیراز نشستیم.
۴. (السیاحی): همانا کردستان از مناطق جذب گردشگری در ایران هست.
۵. (الریف): زندگی در روستا بسیار زیباست.

#### تمرین سوم (ص ۶۹) :

۱. (سائحین). دو گردشگر از آمریکای مرکزی (میانہ) را در موزه دیدم.
۲. (الممرضتان). دو پرستار به زنی که با ماشین تصادف کرده بود، کمک کردند.
۳. (المؤمنین). اندوه مؤمنان در قلب هایشان هست نه در چهره های آنها.
۴. (الشرطیان). پلیس ها در ابتدای میدان اولی ایستادند.
۵. (المعلمون). معلم ها در جشنواره مدرسه حاضر هستند.
۶. (الطیارون) خلبانان از هواپیماهای جنگیشان پیاده شدند.

#### تمرین چهارم:

- ۱ - سَعِيدٌ ۲ - اللَّهُ ۳. صَحِيفَةٌ ۴. بَرِيدٌ ۵. فُسْتُقٌ

#### تمرین پنجم:

۱. آیا پادش نیکي به جز نیکي است؟ (الإحسان : مضاف اليه و مجرور به کسره)
۲. بهترین مردم کسی است که به مردم سود رساند. (التَّاسِ : مضاف اليه و مجرور به کسره، التَّاسِ : مفعول و منصوب به فتحه)
۳. روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو. (يَوْمَانِ : خبر و مرفوع به «الف»)
۴. زیبایی علم گسترش آن است، و نتیجه اش (میوه اش) عمل کردن به آن است. (نَشْرٌ : خبر و مرفوع به ضمه ، ثَمَرُهُ : مبتدا و مرفوع به ضمه)
۵. کشاورزان آبی از چاه روستا استخراج کردند. (الْفَلَّاحُونَ : فاعل و مرفوع به «و» ، ماء : مفعول به و منصوب به تنوین نصب)
۶. عقل سالم در بدن سالم است. (السَّلِيمُ : صفت و مرفوع به ضمه).

### آزمون درس ۶

۱	ترجم الكلمات التي تحتها خطاً: الف: فُهِى مَناسِبَةً لِلْبَطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ. ب: المَحَافِظَاتُ الشَّمَالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَي شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينِ
۲	أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: خَالَابٌ - مَمْنُوعٌ - جَذَابٌ - مَسْمُوعٌ ..... ≠ ..... = .....
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ : الف ( في المعرب و المبنى) : هذا ذلك هو فُسْتُقٌ ب ( في علامة الاعراب) : المومنون المومنين المومنان المومنون

٤	أكتب جمع أو المفرد: سجاجيد: حلوا:	١/٥
٥	ترجم الجمل التالية إلى الفارسية: الف: (قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة الذين من قبل). ب: اللون البنفسجي لغرفة التوم مهدئ الاعصاب. ج: نزل الطيارون من طائراتهم الحربية. د: شاهدت ايران في السنوات الأخيرة نواً ملحوظاً في السياحة.	٣/٥
٦	انتخب الترجمة الصحيحة: الف: لا يُصدَّق ← الف: باور نمی کند ب: راست نمی گوید ج: صداقت ندارد ب: أَلَفَ كِتَاباً عَظِيماً لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذِبِ السِّيَاحِي فِي إِيرَانَ. كتاب بزرگی برای ..... مناطق دارای جذب گردشگری تألیف کرد. ج: كان يزرع الفلأخ أشجار التُّفَاح. کشاورز درختان سیب را می کارد. کشاورز درختان سیب را می کاشت. د: أما عندكم؟ الف: آیا نزد شما نیست؟ ب: آیا ندارید؟ ج: اما، نزد شماست؟ ه: قامت المُنظَمة اليونسكو، بتسجيل مدنٍ و مناطق ثقافيّ. سازمان یونسكو اقدام به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی کرد. سازمان یونسكو برای ثبت شهرها و مناطق فرنگی برخاست. و: شَهِدْتُ: الف: شاهد بود ب: شهید شد	١/٥
٧	كَمَلِ الْفَرَاعَاتِ بِالترجمة المناسبة: الف: ويكوُنُ مُتَحَفُ التَّراثِ الرَّيفِي قُرْبَ رشت. .....میراث ..... نزدیک رشت می باشد. ب: فيها صناعاتٌ يدويّةٌ تجذبُ السَّائِحِينَ . در آن صنایع ..... وجود دارد که ..... را جذب می کند.	٢
٨	انتخب جواباً صحيحاً : ١- حزنٌ ..... في قلوبهم. ( المومنون المومنين المومنان ) ٢- قرأتُ ..... ( قصيدتان - قصيدتين ) ٣- أنزلَ ..... البضائع. ( العاملُ العاملِ العامل ) ٤- ..... وقفا في بداية السّاحة. ( المعلمان المعلمين المعلمون ) ٥- خيرٌ ..... من نفع ..... ( الناس/ الناسُ الناسُ / الناسِ الناسِ/ الناس ) ٦- لا تكتبُ ..... على الآثارِ التاريخيّة. ( شيئاً شيئاً شيئاً ) ٧- لَمَّا رأى ..... الاحزاب. ( المومنون المومنين ) عَيْنِ الصَّفَةِ و المضافَ إليه ثُمَّ اذْكُرْ إعرابَهُما: الف) المعلمون حاضرون في مهرجانِ المدرّسة. ب) ذهبَ المؤظَّفونَ إلى سَفرةٍ علميّة. ج) الطلابُ المؤدَّبونَ مُحترمونَ عندَ المعلمين .	٤

	(د) المومن قليل الكلام كثير العمل.	
۱	انتخب الكلمة المبنية: ذهب الطيب يكتب انتخب الكلمة المعربة: هل الاحسان هولاء	
۲	أكتب ما طلب منك: الف: قرأت قصيدة جميلة لأمير الشعراء. (الصفة / المضاف اليه) ب: الساحل منطقة برية بجوار البحار. (المتدا / الخبر)	
۱	اقرأ النص التالي ثم أجب عن الاسئلة: رأينا سائحين من أمريكا الوسطى في المتحف. الف: كم سائحاً في المتحف؟ ب: من أي بلد كان السائحون؟	
۱/۵	عين الجملة الصحيحة وغير الصحيحة: الف: استخراج الفلاحون ماءً من بئر النفط. ب: سكوت اللسان سلامة الإنسان. ج: محراز مرهم لحساسية الجلد.	
۱	انتخب الصحيح: الف) مكان لبيع الأدوية. ب) مدينة مشهورة بإنتاج الفستق والسجاد. ج) بيعها بدون وصفة غير مسموح. د) إدارة لتسليم الرسائل واستلامها. السياسة كرمان لقافة البريد الصيدلة إيلام أميسيلين المصنع	

تست های درس ۶:

### عين الأصح و الأدق في الأجوبة للترجمة أو للمفهوم (۱-۶)

۱. «إن إيران من الدول الجميلة في العالم.»

۱. ایران، کشوری زیبا در جهان است. ۲. ایران از کشورهای زیبا، در میان دانشمندان است.

۳. همانا ایران، از کشورهای زیبا است. ۴. قطعاً ایران، از کشورهای زیبا در جهان است.

۲. «خير الناس من نفع الناس.»

۱. خوبی مردم، از نفع رساندن به مردم است. ۲. بهترین مردم، از نفع دادن به مردم است.

۳. بهترین مردم، کسی است که به مردم سود می‌رساند. ۴. انسان خوب، کسی است که به مردم سود می‌رساند.

۳. «و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ.» (الأحزاب/ ۲۲)

۱. مؤمن، وقتی حزب را دید گفت: این است آنچه که خدا و رسولش وعده داده است.

۲. و چون مؤمنان دسته های دشمن را دیدند گفتند این همان است که خدا و فرستاده اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده اش راست گفتند و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود

۳. زمانی که مؤمنان، حزب‌ها را ببینند می‌گویند: این است آنچه خدا و رسولش مارابه ان وعده داده بودند.

۴. و هر زمانی مؤمنان، حزب‌هایی را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و پیامبر آن را وعده دادند.

۴. «بَرْدٌ وَ حَلْوِيَاتُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ.»

۱. یزد و شیرینی جات و منطقه صحرايي اش  
۲. یزد و شیرینی جات و منطقه های کويري اش  
۳. یزد و شیرینی جاتش و منطقه ی کويري اش  
۴. یزد و شیرینی جاتش و منطقه های کويري اش  
۵. «دانش آموز کوشا قصیده ی جالبی را خواند.»

۱. قَرَأَتِ الطَّالِبُ المَجْدُ قَصِيدَةً رَاحَةً  
۲. قَرَأَ الطَّالِبُ المَجْدُ قَصِيدَةً رَاحَةً  
۱. یَقْرَأُ الطَّالِبُ المَجْدُ قَصِيدَةً رَاحَةً  
۲. قَرَأَ الطَّالِبُ المَجْدُ قَصِيدَةً رَاحَةً  
۶. عین الصحیح:

۱. لا تَكْتُبْ شَيْئاً عَلَى الآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ: نمی نویسی  
۲. فَحَصَّ الطَّيِّبُ اسنانَ الولدِ الصَّغِيرِ: شکست  
۳. لا يُصَدِّقُ العَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيراً: باور می کند  
۴. قَدْ سَجَّلَتْهَا مُنْظَمَةٌ اليُونِسْكُو الدُّوَلِيَّةُ فِي قائِمَةِ الثَّرَاثِ العَالِمِي: ثبت کرده است  
۷. عَيَّنَ الصَّحِيحَ فِي تَرْجَمَةِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (آن) ایرانَ مِنَ المَنَاطِقِ الخَلَابَةِ وَ المَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ وَ الثَّقَافِيَّةِ

۱. آثار- ساختمان- فرهنگي  
۲. جذاب- فرهنگي- آثار  
۳. آثار- فرهنگي- جذاب  
۴. جذاب- آثار- فرهنگي

۸. عَيَّنَ الصَّحِيحَ عَنِ المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِكَلِمَاتِ هَذِهِ العِبَارَةِ: «اسْتَحْرَجَ الفِلاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ القَرِيَّةِ»:  
۱. الفِلاحُونَ؛ فاعل - مَاءً؛ مفعول  
۲. مَاءً؛ صفت - القَرِيَّةِ؛ مفعول  
۳. مِنْ بئرِ؛ جارٌّ وَ مجرور - الفِلاحُونَ؛ خبر  
۴. مَاءً؛ صفت - القَرِيَّةِ؛ مضافٌ إِلَيْهِ  
۹. أَيُّ كَلِمَةٍ تَخْتَلِفُ الأَخْرِينَ مِنْ حَيْثُ الإِعْرَابِ؟  
۱. سَعِيدٌ. ۲. الفِلاحُونَ. ۳. المُسْتان. ۴. المُسْتَقُ

۱۰. عَيَّنَ الصَّحِيحَ عَنِ هَذِهِ العِبَارَةِ. ( وَ فِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تُجَذِّبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ العَالَمِ ).  
۱. السَّائِحِينَ: معرب و فاعل  
۲. كُلٌّ: مبنى و مضافٌ إِلَيْهِ  
۳. السَّائِحِينَ: معرب و مفعول  
۴. العَالَمِ: معرب و مبتدا

۱۱. عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهَا الكَلِمَةُ المَعْرُوتَةُ مِنْ نَاحِيَةِ القَوَاعِدِ؟

۱. هِيَ ۲. أَنْتِ ۳. كَيْفَ ۴. وَرَدَةٌ  
۱۲. عَيَّنَ جَوَاباً مَا جَاءَ فِيهِ مِضافٌ إِلَيْهِ.

۱. اللُّونُ البَنَفَسَجِيُّ لِعُرْفِهِ النَّوْمُ مُهَدِّئٌ الاعصابِ.  
۲. مُدِيرُ المَدْرَسَةِ واقِفٌ امامَ الاصطِطْفافِ الصَّبَاحِيِّ.  
۳. رَسَمَ الاولادُ صَوْرَةً جَمِيلَةً عَلَى رَمَلِ السَّاحِلِ.



- ٤ . الشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ.
- ١٣ . عَيَّنَ الصَّحِيحُ لِلْفَرَاعِينَ (اسْتَخْرَجَ.....مَاءً مِنْ بئرِ.....).
- ١ . الفَلاحين-القريَّة
- ٢ . الفَلاحين-القريَّة
- ٣ . الفَلاحون-القريَّة
- ٤ . الفَلاحون-القريَّة
- ١٤ . عَيَّنَ مَا لَيْسَ لِلْفَرَاعِ فِي الْعِبَارَةِ « سَاعَدَت ..... الْمَرْأَةُ الَّتِي تَصَادَمَت بِالسِّيَّارَةِ. »
- ١ . المِمرَّضاتان
- ٢ . المِمرَّضتين
- ٣ . المِمرَّضون
- ٤ . المِمرَّضة.
- ١٥ . عَيَّنَ الصَّحِيحُ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ؟
- ١ . مِنْ أَثَارِهَا مَرْقَدُ ابْنِ سَيْنَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي هَمْدَانَ: جِهَانَ
- ٢ . مِنْ الْمَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ فِي آيرَانَ مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا: نَشَانَهُ
- ٣ . مَرْقَدُ الْفِرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدِ: آرَامْكَاه
- ٤ . إِنَّ آيرَانَ مِنْ الدَّوَلِ الْجَمِيلَةِ: دَوْلَتِهَا

تهيه شده: گروه عربی متوسطه دوم استان چهارمحال وبختیاری

آبان ماه ۹۹